

## دین کوروش بزرگ چه بود؟

بررسی یک پندار غلط (کوروش و مردوک)



# دین کوروش بزرگ چه بود؟

مجید خالقیان<sup>۱</sup> (نویسنده سرپرست)

کوروش شهرکی

پوریا پارسا

مطابق با به روزرسانی ۱۴ مرداد ۱۳۹۵

یکی از مواردی که همواره مورد بحث پژوهشگران قرار گرفته، دین کوروش بوده است و نظرات گوناگونی درباره آن مطرح شده است. مسلم است که پادشاهان هخامنشی از جمله کوروش بزرگ دارای تسامح مذهبی بودند و به باورهای اقوام گوناگون احترام می‌گذاشتند. با این حال به نظر می‌رسد کوروش یکی از آیین‌های ایرانی را داشته و پرستنده اهورامزدا به عنوان خالق و آفریننده یکتا بوده است. اما این روزها می‌بینیم که عده‌ای با سطحی نگری بیان می‌کنند که کوروش بت پرست بوده است!! در این نوشتار برآنیم تا اشاراتی به منابع داشته باشیم و نظر چند تن از تاریخ‌دانان را در مورد دین کوروش بیان کنیم.

## بررسی و تحلیل

می‌دانیم که در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی پس از کوروش بزرگ از جمله داریوش بزرگ که خویشاوند کوروش بوده است، اهورامزدا گرامی داشته شده و به عنوان خدای بزرگ که آسمان و زمین را آفریده مطرح می‌شود.

مطابق با گزارش گزنفون، کوروش از دینمردان که «مغان» نام داشتند، بهره می‌برد و آنها را برای اعمال دینی فرا می‌خواند (ن.ک: کوروش نامه گزنفون، دفتر ۴، بخش ۵، بند ۱۴)، بسیاری از پژوهشگران با توجه به این مطلب و همچنین دیگر آثار، دین کوروش را با سنت مزدایی در پیوند می‌دانند.

مری بویس می‌نویسد که کوروش همانند نیاکانش زرتشتی بوده است و از موارد مهم مورد توجه او، می‌توان به آتشکده‌های پاسارگاد اشاره کرد که یادآور آیین زرتشتی هستند و همچنین برخی از منابع یونانی که ارزش قابل توجهی برای مغان در دربار کوروش قائل شده‌اند (Dandamayev, 2011، ن.ک: Boyce, 1988).

ماکس مالوان در مقاله خود که در تاریخ ایران کمبریج به چاپ رسیده است، گرچه از فقدان مدارک درباره دین زرتشتی کوروش سخن می‌راند اما نقاط مشترک بین رفتار کوروش با آموزه‌های زرتشت و اصول دین زرتشتی را در نظر دارد و احتمال می‌دهد از دین زرتشتی تأثیر پذیرفته باشد (مالوان، ۱۳۸۷: ص ۴۹۴).

تورج دریایی هم با آنکه اشاره می‌کند از عقاید مذهبی شخصی کوروش آگاهی اندکی داریم، اما معتقد است که شواهد آشکارا نشان دهنده آداب ایرانی وی می‌باشند. وی با توجه به منابعی مانند کتاب عزرا و متون بابلی که درباره کوروش سخن گفته‌اند و همچنین با استناد به پژوهش‌های پیشین، این چنین می‌آورد:

«مضمون» درست کردن هر آنچه که خراب شده بود» دیدگاهی است که با اهوره‌مزدا ارتباط دارد. اهوره‌مزدا یا خدای خردمند، نماینده نظم در جهان هستی است، در حالی که انگره مینو نماینده بی‌نظمی/دروغ است. اگر این متن‌ها را در چارچوب ایدئولوژی ایرانی بخوانیم به نگرش ایرانی/مزدایی روشنی از پادشاه دست می‌یابیم که به عنوان نماینده اهوره‌مزدا، نظم (در اوستا: اشه، و در فارسی باستان: آرته) را به زمین باز می‌گرداند» (دریایی، ۱۳۹۳: ص ۲۳).

این درحالی است که آثار به جا مانده از پاسارگاد که آرامگاه کوروش در آنجا قرار دارد، سنت‌های ایرانی را نشان می‌دهد، از جمله چند آتشکده سنگی، بازمانده‌های نقش گل نیلوفر در ورودی آرامگاه کوروش که با میترا پیوند دارد و... (همان: ص ۲۵). این موارد به ما نشان می‌دهد که احتمالاً اگر کوروش دین زرتشتی هم نداشته حداقل پیروی یک آیین ایرانی - شاید از آیین‌های ایرانی پیش از زرتشت - بوده است.

در اینجا اشاره می‌کنیم که مولانا ابوالکلام آزاد که دیدگاه وی درباره ذوالقرنین (ع) و کوروش مورد توجه اهالی تحقیق قرار گرفت و امروز کوروش به عنوان محتمل‌ترین گزینه برای ذوالقرنین مطرح است، دین کوروش را مرتبط با آیین زرتشتی می‌دانست و معتقد بود که کوروش پیرو دینی بود که زردشت پیغمبر معروف ایران بنا نهاد.

البته نباید فراموش کنیم که آیین زرتشتی در دوران ساسانی دست تحولاتی شد و در ارزیابی آیین کوروش بزرگ، باید متوجه باشیم که معیار ما برای سنجش دین کوروش، آیین زرتشتی ساسانی نیست. به نظر می‌رسد نوآوری‌ها و تحریف‌هایی در دوران ساسانی رخ داد و به این دلیل است که برخی از احکام

زرتشتی ساسانی را در دوران اشکانی و هخامنشی مشاهده نمی‌کنیم یا مواردی بر خلاف آنها را در ایران پیش از ساسانیان می‌بینیم (برای دانش بیشتر ن.ک: خالقیان، ۲۶ تیر ۱۳۹۴).

آنچه در کتیبه‌های هخامنشیان قابل توجه است اشاره به یک خالق یکتا می‌باشد که آسمان و زمین و مردم را آفریده است. هخامنشیان در کتیبه‌های خود روی این موضوع اصرار جدی داشتند به طوری که در اکثر کتیبه‌های هخامنشی این موارد را می‌بینیم که نشان دهنده اعتقاد به وجود خالق یکتا در نزد هخامنشیان است:

«اهوره‌مزدا خدای بزرگ است که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید...» (کتیبه داریوش بزرگ در نقش رستم با شناسه *DNa*، بند ۱، ترجمه لوکوک).

### کوروش، مردوک، آیین‌های ایرانی

اما برخی ادعا می‌کنند که دین کوروش با مردوک (خدای بابلی) در ارتباط بوده است. این موضوع می‌تواند به عنوان یک فرضیه (هرچند سست) باقی بماند اما رفتار افرادی که اکثراً رویکرد ایران‌ستیزانه دارند جالب توجه می‌نماید! آنها کوروش را بت پرست می‌خوانند و موارد نادرستی را به او نسبت می‌دهند. به نظر می‌رسد ارتباط آنچنانی بین هخامنشیان و ایرانیان با مردوک وجود نداشته است و آثار بسیار فراوانی نشان می‌دهد که کوروش پیوند تنگاتنگی با آیین‌های ایرانی داشته است.

آنچیزی که به نظر می‌آید این است که ادیان بابلی، در ایران جایگاهی نداشته است؛ آیا اگر کوروش مردوک را با تمام معیارهایی که در بابل رواج داشت، می‌پرستید نباید اثر قابل توجه و فراگیری از آن در فرزندان، خویشان و مردم آن دوره باقی مانده باشد؟

با این حال سیاست احترام به ادیان گوناگون در سراسر دوران فرمانروایی هخامنشیان وجود داشت به طوری که کوروش بزرگ و جانشینانش به ادیان گوناگون احترام می‌گذاشتند.

درباره ارتباط آیین کوروش بزرگ با مردوک معمولاً به استوانه کوروش استناد می‌شود که در آن مردوک مورد ستایش قرار گرفته است. همان استوانه‌ای که با سنت‌های بابلی نوشته شده است.

در اینجا چندین و چند بحث وجود دارد، اول اینکه آیا شایسته است که دین و آیین بابلی را با آداب و رسوم اقوامی مانند عرب‌های عصر جاهلی مقایسه نمود و همه را به یک چشم دید؟!

در مرحله بعد باید به سنت‌های بابلی توجه ویژه داشت. تردیدی نیست که این استوانه توسط کاتبان بابلی و با سنت‌های بابلی نگارش یافته است. در زبان بابلیان کلمه‌ای که ما اکنون خدا می‌نامیم، مردوک بوده است و این موضوع طبیعی است که از مردوک به عنوان خدا در استوانه‌ای که با سنت بابلی و توسط بابلیان نگاشته شده است، یاد شود (لازم به ذکر است فرضیاتی وجود دارند که نگارش استوانه کوروش را توسط کاهنان بابلی و در بزرگداشت کوروش می‌دانند. به عبارت دیگر احتمال می‌رود که بابلیان گزارشی از

رفتار و سخنان کوروش بزرگ با توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های خود تهیه کرده‌اند؛ همانطور که یهودیان در منابع خود سخنان و رفتار کوروش را با ارزش‌ها و نگرش‌های خود گزارش کرده‌اند. اما این بدان معنا نیست که مثلا کاتبان یا کاهنان بابلی بدون اطلاع کوروش بزرگ این استوانه را نوشته باشند). به هر حال این استوانه چه به دستور کوروش و چه توسط کاهنان در بزرگداشت کوروش نگارش یافته باشد، پیش از هر چیز نشان دهنده تسامح کوروش نسبت به سنت‌های بابلی است و احترام به آیین‌های ملل مغلوب است؛ البته طبیعی است که برای رساندن مفاهیم برای مخاطب بابلی از سنت‌های بابلی و این واژه‌ها بهره برده‌اند. سنت‌های بابلی را هم نباید با رفتار و باورهای عرب‌های دوران جاهلی یکی دانست.

توجه به این سنت‌های بابلی وقتی جالب می‌شود که در اسناد باقی مانده از دوران داریوش بزرگ و در سندی که در خود بابل و برای مخاطب بابلی تنظیم شده است، «بِل» جای «اهورامزدا» را گرفته است!!! می‌دانیم که در کتیبه بیستون اهورامزدا رهنمای داریوش است اما در قطعه‌ای از یک رونوشت بابلی کتیبه بیستون، که در خود بابل و بر یک یادمان سنگی کنده شده بود و به طور آسیب دیده به دست آمده است، خدای رهنمای داریوش، که همو نیز داریوش را به شاهی برگزیده به جای اهورامزدا در متن اصلی، بِل خوانده شده است. که خواننده بابلی از آن مردوک را برداشت خواهد کرد؛ یعنی همو که رهنمای کوروش نیز بود و اکنون رهنمای داریوش است (استالپر، ۱۳۹۴: ص ۹۴).

جالب آنکه رفتارهای مشابه و احترام به سایر ادیان توسط کوروش وجود دارد. برای مثال رفتار کوروش بزرگ با یهودیان در تاریخ مشهور است. کوروش بزرگ بعد از فتح بابل اجاره بازگشت یهودیان به اورشلیم را داد و حتی افرادی مسئول رسیدگی به اوضاع یهودیان شدند. یهودیان هم در منابع خود کوروش را ستایش کرده‌اند و از او به نیکی یاد کرده‌اند. حتی در بخش‌هایی از منابع یهودیان کوروش یک منجی از جانب یهوه خدای بزرگ یهودیان دانسته شده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، درون مایه متن و بررسی اندیشه درونی استوانه کوروش است. اگر به جای آنکه با ظاهر نگری، درگیر واژه‌ها شویم، به صورت کلی به درون مایه متن نگاه کنیم، متن استوانه کاملا یادآور اندیشه‌های ایرانی می‌باشد اما با نمادها و نگرش‌های زبان دیگر بیان شده است. گویا این متن یک رفتار بر اساس اندیشه‌های ایرانی را با زبان دیگر گزارش می‌کند. این موضوع در دیگر متون از جمله متن‌های یهودیان هم مورد توجه قرار می‌گیرد.

دکتر تورج دریایی با بررسی منابع یهودی در کنار استوانه کوروش و با تحلیلی شایسته می‌نویسد: «در کتاب عزرا هم موضوع بازسازی پرستشگاه خدایان را می‌بینیم که در اسناد میان‌رودانی که در بالا ارائه شد دیده می‌شود... این دیدگاه دارای اهمیت است، اما نه فقط برای اهداف تبلیغاتی که کوروش می‌توانست با سنت‌های متعددی به آن دست یابد، بلکه به دلیل یک اندیشه کاملا ایرانی که من به آن

**معتقد هستیم.** مضمون «درست کردن هر آنچه که خراب شده بود» دیدگاهی است که با اهوره‌مزدا ارتباط دارد. اهوره‌مزدا یا خدای خردمند، نماینده نظم در جهان هستی است، در حالی که انگره مینو نماینده بی‌نظمی/دروغ است. اگر این متن‌ها را در چارچوب ایدئولوژی ایرانی بخوانیم به نگرش ایرانی/مزدایی روشنی از پادشاه دست می‌یابیم که به عنوان نماینده اهوره‌مزدا، نظم (در اوستا: اشه، و در فارسی باستان: آرته) را به زمین باز می‌گرداند. در نتیجه پادشاهان بیدادگر پیشین (نبوکدنزار، نبونه‌ئید و...) نماینده بی‌نظمی/دروغ، اهریمن یا انگره‌مینو شدند. گذشته از این، نبونه‌ئید با کودتا در بابل به قدرت رسید، و از کوروش گزارشی در دست است که در آن او در تلاش برای بازگرداندن نظم نشان داده شده است. این کارهای کوروش بسیار همانند به آن چیزی است که در سنگ نوشته بیستون داریوش یکم آمده است که در آن پادشاه کوشش می‌کند آشوب‌ها و بی‌نظمی‌هایی که پس از مرگ کمبوجیه و به تخت نشستن یک غاصب، یعنی گئوماته مغ به وجود آمده بود را توضیح دهد» (دریایی، ۱۳۹۳: صص ۲۳-۲۴).

اینگونه رفتار در نزد سایر پادشاهان هخامنشی که از اهورامزدا به عنوان آفریننده زمین و آسمان و مردم یاد کرده‌اند، دیده می‌شود؛ یعنی به نظر می‌رسد این احترام با توجه به باورهای ایرانی و نگرش‌های ایرانی صورت می‌گرفته است. در ادامه چند مورد را ذکر می‌کنیم.

### رفتار کمبوجیه و گشایش مصر:

جانشین کوروش بزرگ یعنی کمبوجیه هم پس از فتح مصر همچون پدرش عمل کرد. او به سپاهیان دستور داد تا شهر را غارت نکنند و از آثار به جا مانده مشخص است که کمبوجیه به عقاید مصری‌ها احترام گذاشت. برای مثال کتیبه‌ای به خط هیروگلیف بر روی مجسمه بدون سر متعلق به پسر کاهن بزرگ حک شده است که حاوی این مطالب است:

«هنگامی که کمبوجیه، شاه بزرگ و شاه تمام کشورها به مصر آمد، با او مردان بسیاری از کشورهای مختلف بودند. او در این کشور به تمام پادشاهی یافت. سپس پادشاه به معبد سائیس رفت و در برابر الهه نیت به خاک افتاد... او مرا پزشک بزرگ نامید و من به دستور پادشاه، زمین‌های خوب به کاهنان دادم، کودکان را غذا دارم، کارهای سودمند برای تنگدستان و یتیمان انجام دادم و به فرمان شاه، همه را از گرفتاری‌های بزرگ رهانیدم» (محمدپناه، ۱۳۸۴).

محتوایات این کتیبه یادآور استوانه کوروش می‌باشد و شباهت آشکاری به آن دارد. تصور اینکه در یک نسل بعد از کوروش به یکباره پادشاه بعدی، آیین‌های مصری را بپذیرد سخت می‌آید. بنابراین کاملاً منطقی است که سیاست احترام به ادیان، یک رفتار جاافتاده در خاندان هخامنشی بوده است و تداوم آن در روزگار بعدی این موضوع را روشن تر می‌سازد.

## رفتار داریوش بزرگ نسبت به پیروان سایر مذاهب:

آنچه که درباره زمان داریوش مهم می‌نماید این است که کتیبه‌های مفصلی به زبان مادری هخامنشیان نگارش یافت و ما بیشتر با آیین بومی آنها آشنا می‌شویم. در کتیبه‌های پارسی باستان داریوش، آشکارا اهورامزدا ستایش شده و خدای بزرگ دانسته شده است.

اما با این حال سیاست احترام به ادیان گوناگون همچنان تداوم یافت، به طوری که باز هم رفتار داریوش یادآور رفتار کوروش و کمبوجیه است. در زمان داریوش باز هم گروه دیگری از یهودیان به بازسازی معابد خود پرداختند و این نشان از احترام داریوش به آیین آنها دارد (بادامچی، ۱۳۹۱: ص ۲۰). در آثار به جا مانده از مصر هم احترام به عقاید بومی به چشم می‌خورد.

احترام داریوش به ادیان بومی مصر در کتیبه‌های به جا مانده از وی در مصر آشکار است. در پشت لوح مشهور داریوش در آن دیار، یک کتیبه مصری وجود دارد و بالای این کتیبه نقش خدای رع (قرص خورشید بالدار) و نقش خدایان هپی در حال انجام مراسم آیین گره زدن گل‌های لوتوس و پاپیروس دیده می‌شود. جالب آنکه داریوش در آثار مصری **فرعون** خوانده می‌شود و نام وی در کتیبه‌های مصری **آنتریوش** ثبت شده است (محمدپناه، ۱۳۸۴: ص ۹۰).

این رفتار داریوش در مصر کاملاً یادآور رفتار کوروش در بابل است اما آشکار است که داریوش بزرگ اهورامزدا را می‌پرستیده است و حتی در کتیبه‌هایی که به پارسی باستان در مصر به دست آمده، اهورامزدا ستایش شده است.

پیش از این اشاره شد که در قطعه‌ای از یک رونوشت بابلی کتیبه بیستون، که در خود بابل و بر یک یادمان سنگی کنده شده بود و به طور آسیب دیده به دست آمده است، خدای رهنمای داریوش، که همو نیز داریوش را به شاهی برگزیده به جای اهورامزدا در متن اصلی، بل خوانده شده است. که خواننده بابلی از آن مردوک را برداشت خواهد کرد؛ یعنی همو که رهنمای کوروش نیز بود و اکنون رهنمای داریوش است (استالپر، ۱۳۹۴: ص ۹۴).

## بت پرستی و آیین ایرانیان

به طور کلی بت پرستی عرب جاهلی، هیچگاه در ایران رواج نداشته است و بسیاری از عالمان دینی هم اشاره می‌کنند که ایرانیان هیچگاه بت پرست نبوده‌اند.

برای مثال آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «از شیخ اشراق نقل کرده‌اند که ما حکیم غیرموجد و غیرالهی در ایران نداشتیم، این شیخ اشراق از سهرورد است، یکی از روستاهای دورافتاده ایران، شما کمتر محل و شهری پیدا می‌کنید که مفاخر نداشته باشد، از دهی مانند سهرورد این بزرگان برخاسته‌اند، توده مردم مشرک

نبودند، بت پرست و ملحد در ایران نداشتیم. آیه ۱۷ سوره حج، مجوس را در برابر مشرکان قرار داد، گروهی در آن زمان به نام ثنوی پیدا شدند که حرف دیگری است» (جماران، ۱۳۹۱).

همچنین آیین و آداب بابلی هم در ایران جایگاهی نداشت که مردوک و تندیس مربوط به آن مورد ستایش ایرانیان قرار بگیرد. با وجود این شرایط که قبل از کوروش و بعد از کوروش ستایش مردوک در ایران جایگاهی نداشته است، بعید به نظر می‌رسد که به یکباره کوروش پرستشگر مردوک شده باشد. این در حالی است که شواهدی از مزدآپرستی کوروش در دست است که بسیار معقول تر به نظر می‌رسد.

این موضوع که کوروش مورد ستایش بابلیان و یهودیان قرار گرفته است و هر کدام ادیان متفاوتی داشتند، نشان می‌دهد که کوروش مطابق سنت‌های ایرانی نوعی بردباری نسبت به ادیان گوناگون داشت، برای همین اینچنین در متون بابلی و یهودی مورد ستایش قرار گرفته است.

می‌دانیم که علاوه بر منابع بابلی، کوروش در آثار یهودیان بسیار ستایش شده و حتی یک منجی از طرف خداوند دانسته شده است کوروش به پرستشگاه‌های یهودیان هم رسیدگی کرده است. پس آیا صرفاً با توجه به این متون کوروش را باید یهودی بدانیم؟!

البته در بحث دین کوروش با توجه به عقاید خاص یهودیان، منابع آنها اهمیت خاصی پیدا می‌کند. یهودیان به عنوان یکتاپرستانی معتقد مطرح هستند و ستایش کوروش در منابع آنها، قابل توجه است چرا که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با توجه به متون یهودی می‌نویسد:

«یهود با آن تعصبی که به مذهب خود دارد هرگز یک مرد مشرک را مسیح پروردگار و هدایت شده او و مؤید به تأیید او و راعی رب نمی‌خواند» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۶۶۰).

این موارد نشان دهنده یکتاپرستی کوروش می‌باشند که البته کوروش با توجه به آیین‌های ایرانی نوعی تسامح نسبت به سایر ادیان را داشته است. همانطور که در دوران بعدی شاهد آن هستیم.

لازم به ذکر است با آنکه هخامنشیان بردباری به سایر ادیان داشتند، در کتیبه‌های خود به وجود خالق یکتا (خدایی که آسمان و زمین و مردم را آفریده است) اصرار ویژه‌ای داشتند. یعنی در میان همه وجود‌های معنوی و ایزدان که مورد ستایش قرار می‌گرفتند، خدای بزرگ به عنوان خالق یکتا مطرح بود که این خود بازگوکننده یکتاپرستی آنها است.

در هر حال تسامح مذهبی کوروش و هخامنشیان در آن دوران بسیار نتایج مثبتی داشت چرا که بسیاری از سلاطین پیش از کوروش و هخامنشیان، به نابودی معابد افتخار می‌کردند و گاه معابد را ویران می‌کردند. این بی‌حرمتی‌ها به ادیان ملل باعث شد تا قرن‌ها جنگ‌هایی صورت گیرد و هزاران انسان در این جنگ‌های خونین کشته شوند. اما کوروش و هخامنشیان با تسامح مذهبی و خردمندی، تا حدودی به چنین جنگ‌هایی پایان دادند (ن.ک: شهرکی، ۲۲ مهر ۱۳۹۵).



## پاسارگاد و نحوه دفن کوروش

بسیاری به نحوه قرار گرفتن پیکر کوروش در آرامگاهش ایراد می‌گیرند و مدعی می‌شوند که برخلاف عقاید زرتشتیان است. هر چند درباره نحوه قرارگیری پیکر کوروش در آرامگاهش چند فرضیه مطرح شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم ولی پیش از هر چیز باید چارچوب خود را از عقاید زرتشتیان تعریف کنیم. آیا وجود منابع فقهی زرتشتی که امروز در دست داریم، کافی است تا از احکام زرتشتیان عصر هخامنشی و کوروش به صورت کامل و دقیق آشنایی پیدا کنیم؟! پیش از این هم اشاره شد که در ارزیابی آیین کوروش بزرگ، باید متوجه باشیم که معیار ما برای سنجش دین کوروش، آیین زرتشتی ساسانی نیست. با توجه به منابع گوناگون از جمله کتیبه‌های هخامنشی، منابع یونانی و آثار به جا مانده از ایران باستان، می‌توان گفت بسیاری از ایرانیان مزدپرست بوده‌اند و خود را پیروی زرتشت، پیامبر باستانی ایرانی می‌دانستند. ولی به مرور تحولاتی در آیین زرتشت رخ داد و سنت‌های دینی گوناگونی در میان ایرانیان شکل گرفت. اما در دوران ساسانی تحولات بزرگی در آیین زرتشتی رخ داد که به زرتشتی ساسانی مشهور است (ن.ک: خالقیان، ۲۶ تیر ۱۳۹۴).

این موارد ذکر شد تا تأکید شود که اگر پیکر شخصی در زمان هخامنشی دفن شده و در دخمه قرار نگرفته است، لزوماً دلیلی بر غیر زرتشتی بودن او نیست، چرا که احتمال دارد احکام آن عصر زرتشتیان و اقوام گوناگون ایرانی متفاوت بوده باشد. می‌دانیم بسیاری از پادشاهان هخامنشی دفن شده‌اند و از آنها کتیبه به جا مانده است که خود را پرستشگر اهورامزدا معرفی می‌کنند؛ اتفاقاً آنها از خویشاوندان کوروش بزرگ هستند. درباره تشریفات مردگان در آداب و رسوم ایرانیان دوره هخامنشی با سنت‌های متفاوتی در منابع برخورد می‌کنیم. در تاریخ هرودوت صرفاً درباره تشریفات مغ‌ها با اطمینان می‌گوید که کالبد مرده توسط پرندگان یا سگ‌ها دریده می‌شدند (تاریخ هرودوت، کتاب ۱، بند ۱۴۰) اما هرودوت مغ‌ها را فقط یکی از قبایل مادی می‌داند (همان: کتاب ۱، بند ۱۰۱). از طرفی می‌دانیم که پادشاهان هخامنشی هم دفن شده‌اند و احتمالاً تشریفات پارس‌ها و مادها تفاوت‌هایی داشته است.

هنگامی که این موارد را کنار هم بگذاریم به نظر می‌رسد، رسم دخمه در ابتدا یک رسم محلی در میان یکی از قبایل مادها (مغان) و شاید برخی دیگر از اقوام ایرانی بوده است. بعدها (شاید پس از چند قرن) احتمالاً وقتی که این طیف قدرت بیشتری گرفتند، به دنبال فراگیر کردن آن بودند.

آنچه در منابع درباره تشریفات پیکر بی‌جان کوروش گفته می‌شود جالب توجه است چرا که مستقیم به حضور زرتشت (احتمالاً منظور مغ یا روحانی زرتشتی است) اشاره دارد. نکته مهم دیگر تشریفات و مراسم مذهبی مخصوص است. با توجه به مواردی که در سیاحت‌نامه فیثاغورث آمده است، کوروش ابتدا در اکباتان و در خاک دفن شده بود، سپس برای گرمی داشت وی، پیکرش را در تابوت گذاشتند و به پاسارگاد آوردند. در نهایت تابوت کوروش با تشریفات مغان در بنایی از آثار کمبوجیه قرار گرفته است! در این گفته به وصیت‌نامه مشهور کوروش هم اشاره می‌شود که گزنفون آن را نقل کرده و در آن کوروش وصیت کرده است که پیکرش

را به خاک بسپرنند (کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۵)، با توجه به نوشته سیاحت‌نامه فیثاغورث در حقیقت وصیت کوروش در ابتدا انجام شده و او را در خاک اکباتان دفن کرده‌اند و بعدها او را به پاسارگاد برده‌اند (ن.ک: حماسی، ۱۳۹۴).

**در اصالت این گفته، شک و تردید وجود دارد و احتمالاً تاریخ نوشتن سیاحت‌نامه فیثاغورث بعد از حمله اسکندر به ایران است، بنابراین در پذیرش تاریخی آن باید محتاطانه عمل کرد.** به هر حال درباره محل قرارگیری پیکر کوروش در آرامگاهش چند دیدگاه گفته شده که هیچ کدام لزوماً نمی‌توانند مخالف آیین زرتشتی و مزداپروستی او باشند، چرا که احتمالاً سنت‌های گوناگونی برای خاکسپاری ایرانیان مزداپروست وجود داشته است. کوروش ممکن است یا با توجه به سنت پارس‌ها در آرامگاهش قرار گرفته باشد و یا با توجه به سنت مغان که بخشی از مادها بودند؛ می‌دانیم که پدر کوروش پارسی و مادرش مادی بوده است.

در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم و به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

### **پیکر در تابوت و بالای آرامگاه:**

یک نظر می‌گوید که پیکر کوروش در بخش بالای آرامگاه و در تابوتی قرار داشته است. لوازمی از کوروش هم در کنار تابوت او گذاشته بودند که پس از حمله اسکندر توسط اشخاصی ناشناس به تاراج رفته است. در این شیوه، عدم تماس پیکر با خاک را مشاهده می‌کنیم که یادآور همان سنت مغان است. وجود تابوت در قسمت بالای آرامگاه کوروش، در منابع مرتبط با اسکندر نقل شده است. اریستوبولوس، یکی از همراهان اسکندر درباره آرامگاه کوروش مواردی را نقل کرده و توسط آریان در کتاب آناباسیس ثبت شده است. در این منبع اشاره می‌شود که بخش‌های پایینی آرامگاه را سنگ‌هایی به شکل مربع تشکیل می‌دادند و در بالای آرامگاه محفظه‌ای قرار داشته است. **در داخل آن محفظه، تابوتی طلایی بوده است که پیکر کوروش در آن قرار داشته است و یک نیمکت با پایه‌هایی طلایی در کنار تابوت گذاشته بودند.** موارد دیگر مانند یک شنل آستین‌دار، لباس‌های گوناگون و همچنین یک میز در محفظه وجود داشتند. نکته‌ای که جالب است وجود یک محل برای روحانیان در فضای آرامگاه کوروش بوده است که از آرامگاه نگهداری می‌کردند (Arrian, 29.1-11).

اگر بپذیریم از ابتدا کوروش به این ترتیب در این بنا قرار داشته، به نظر می‌رسد کوروش با توجه به تشریفات مغان در آرامگاهش قرار گرفته است. همان تشریفات که بعدها در متون فقهی زرتشتیان هم وارد شد.

### **پیکر در بدنه آرامگاه:**

نظر دیگر می‌گوید که پیکر در بدنه آرامگاه قرار گرفته است که باز هم یادآور سنت عدم تماس پیکر با خاک می‌باشد. همانگونه که از شکل آرامگاه آشکار است، آرامگاه به وسیله پلکانی سنگی از سطح زمین جدا شده است.

### دفن پیکر در خاک:

یافته‌های فراوانی وجود دارد که ایرانیان در عصر هخامنشی مردگان خود را دفن می‌کرده‌اند. دفن مردگان برخی را واداشته است که آیین هخامنشیان را خلاف آیین زرتشتی بدانند! اما اشاره‌های زیادی در سنگ نبشته‌های هخامنشی و همچنین منابع یونانی نشان می‌دهد که آیین زرتشت جایگاه قابل توجهی داشته و پادشاهان گرایش آشکاری به آن داشته‌اند.

پیش از این اشاره شد که احتمالاً رسم دخمه در ابتدا یک رسم محلی در میان یکی از قبایل مادها (مغان) بوده است و بعدها (شاید پس از چند قرن) به دنبال فراگیر کردن آن بودند. البته هیچ بعید نیست کوروش که مادرش یک مادی بوده است، با توجه به این رسم در آرامگاهش قرار گرفته باشد که در گفته مورخان یونانی همزمان اسکندر که از آرامگاه کوروش دیدن کرده‌اند، چنین تشریفات می‌آید.

با این حال از زمان هخامنشیان گورهای زیادی از سراسر کشور به دست آمده که همه گواه دفن مردگان است. در بخش‌های زیادی از شاهنشاهی ایران معمول بود که مردگان را کف خانه دفن کنند. این رسم در بین النهرین، در سوریه و در فلسطین هم جاری بود. کف گلین این خانه‌ها را، در حاشیه دیوارها می‌کنند و مرده را در آن قرار می‌دادند. در خانه‌های اشرافی تر و محکم تر به جای کف حیاط، کف اتاق را می‌شکافتند. شیوه ساده تدفین پیچیدن مرده در کفن و خاک کردن آن‌ها بود. نوع تجملی تر این بود که مرده را در گلی ذخیره آذوقه جای می‌دادند و سپس در گودالی می‌گذارند. ظاهراً برای این کار از کندوهای لب پریده و گاهی هم شکسته هم استفاده می‌شده است. برای کودکان خردسال از تشت و لگن و خمره های گلی استفاده می‌شد (گیرشمن، ۱۳۸۸: صص ۱۶۵-۱۶۷).

مشهور ترین دفن مرده‌های هخامنشی مرتبط با شاهنشاهان سلسله هخامنشی است و جالب آنکه کتیبه‌هایی از آنها به جا مانده که خود را پرستشگر اهورامزدا معرفی می‌کنند. هنگامی که این کتیبه‌ها را با منابع یونانی بسنجیم - که در منابع یونانی نام زرتشت به صورت آشکار آمده است - به نظر می‌آید که پادشاهان هخامنشی زرتشتی بوده‌اند.

پس اگر فرض کنیم که کوروش بزرگ در ابتدا دفن شده است که برخی از منابع مانند کوروش نامه گزنفون هم در وصیت کوروش به آن اشاره می‌کنند (کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۵) منافاتی با مزداپرستی آن عصر نداشته چرا که به نظر می‌رسد در احکام اقوام گوناگون ایرانی در زمان هخامنشی که اتفاقاً زرتشتی بودند، چنین منعی نبوده و فراگیر شدن رسم دخمه به دوران پس از هخامنشیان مرتبط است.

## سخن پایانی

از مجموعه شواهد موجود، این موضوع به دست می‌آید که کوروش با توجه به منش و رفتارش فردی یکتاپرست و به احتمال فراوان پیرو آیین زرتشتی بوده است. پرستش مردوک در میان ایرانیان جایگاه خاصی نداشته است و ارتباط باورهای دینی کوروش با مردوک بسیار بعید می‌نماید. با این حال کوروش بزرگ دارای تسامح دینی بوده و به ادیان دیگر احترام می‌گذاشته است کما اینکه به دین یهودیان هم احترام فراوانی گذاشت. دیگر پادشاهان هخامنشی هم دارای تسامح دینی بودند و این تسامح در فرهنگ ایرانی حتی تا دوره پس از اسلام در میان ایرانیان وجود داشته است.

گفته‌هایی از طرف برخی گفته می‌شود که کوروش به دلیل احترام به دین یهودیان، یهودی بوده است! اگر هم فرض کنیم که گفته آنها درست باشد آیا یهودی بودن در آن زمان گناه به حساب می‌آمده است؟ آیا باید از امثال حضرت دانیال هم خرده گرفت که در آن عصر پیرو آیین یهودی بوده اند؟ به هر حال با توجه به شواهد و مدارک گوناگون، احترام به ادیان گوناگون در زمان هخامنشیان، از جمله احترام به آیین بابلیان، یهودیان، مصریان و... از سیاست‌های عصر هخامنشیان بوده است و کوروش یهودی نبوده است.

کوروش بزرگ به عنوان محتمل‌ترین گزینه برای حضرت ذوالقرنین (ع) در قرآن مجید مطرح است بنابراین به تأیید بسیاری از عالمان دینی، چنین شخصیتی که در کتب آسمانی از او یاد شده، فردی یکتاپرست و پیرو ادیان الهی بوده است.

با آنکه درباره تسامح دینی کوروش بزرگ و دیگر پادشاهان هخامنشی تقریباً اطمینان داریم، اما با توجه به فقدان داده‌ها نمی‌توان صددرصد به باورها و جزئیات دقیق آداب و رسوم رایج شخص کوروش پی‌برد، کما اینکه چنین شرایطی برای دیگر اشخاص تاریخی وجود دارد، اما احتمالاً کوروش یکی از آیین‌های ایرانی را داشته و پرستنده **اهورامزدا** بوده است.

**همچنین نگاه کنید به:**

خالقیان، مجید (۲۲ مهر ۱۳۹۵). «کوروش و ذوالقرنین، خضر و موسی!! آیا پاسخ به کسانی که ذوالقرنین بودن کوروش را رد می‌کنند در قرآن آمده است؟». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=14481>

شهرکی، کوروش (۲۲ مهر ۱۳۹۵). «نتایج مثبت تسامح مذهبی کوروش و هخامنشیان». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری:

<http://kheradgan.ir/?p=14493>

## شناسنامه نوشتار:

خالقیان، مجید؛ شهرکی، کوروش؛ پارسا، پوریا (۱۴ مرداد ۱۳۹۵). «دین کوروش بزرگ چه بود؟». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=388>

## بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها:

- (۲ بهمن ۱۳۹۱). «آیت الله جوادی آملی: بت پرستی و الحاد در ایران قدیم وجود نداشت». پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران.
- استالپر، متیو و. (۱۳۹۴). «فرم، زبان، و محتوای استوانه کورش». در کورش بزرگ: بنیادگذار امپراتوری هخامنشی. گردآوری تورج دریایی. ترجمه خشایار بهاری. تهران: فرزانه روز.
- بادامچی، حسین (۱۳۹۱). فرمان کورش بزرگ. تهران: نگاه معاصر.
- حماسی، مرتضی (۱۳۹۴). «خاک سپاری کوروش به روایت فیثاغورث». انجمن تاریخ فا. قابل دستیابی در: <http://kheradgan.ir/?p=1218>
- خالقیان، مجید (۲۶ تیر ۱۳۹۴). «نگاهی کوتاه به تحولات آیین زرتشتی». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=9600>
- دریایی، تورج (۱۳۹۳). «مذهب کوروش بزرگ». در کوروش بزرگ پادشاه باستانی ایران. ترجمه آذردهخت جلیلیان. تهران: توس. صص ۲۱-۲۸.
- شهرکی، کوروش (۲۲ مهر ۱۳۹۵). «نتایج مثبت تسامح مذهبی کوروش و هخامنشیان». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=14493>
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- گری، لوییس (بهار و تابستان ۱۳۸۲). «هخامنشیان و دین زرتشت». رشد آموزش تاریخ. ترجمه حسین حیدری. ش ۱۲.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۸). تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: سپهر ادب.
- گزنفون (۱۳۸۹). زندگی کوروش. ترجمه ابوالحسن تهامی. تهران: نگاه.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۹). کتیبه‌های هخامنشی. ترجمه نازیلا خلخالی. به کوشش ژاله آموزگار. چاپ سوم. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- مالوان، ماکس (۱۳۸۷). «کوروش بزرگ». در تاریخ ایران کمبریج، ج ۲، قسمت ۱. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- محمدپناه، بهنام (۱۳۸۴). اسرار تمدن مصر باستان. تهران: سبزان.
- هرودوت (۱۳۸۹). تاریخ هرودوت. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: اساطیر.

Arrian of Nicomedia. "Alexander and the tomb of Cyrus". Translate by Aubrey de Sélincourt. Livius.

Boyce, Mary (1988). "The Religion of Cyrus the Great," in A. Kuhrt and H. Sancisi-Weerdenburg, eds., Achaemenid History III. Method and Theory, Leiden, pp. 15-31

Dandamayev, Muhammad A (2011). "CYRUS iii. Cyrus II The Great". In Encyclopædia Iranica. Originally Published: December 15, 1993. Last Updated: November 10, 2011

